

وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ
وَفِيهِ شِفَاءٌ لِلنَّاسِ

الحمد لله على اصابته كرايم بردوسو مشرك سے۔



حسب فرمایس شیخ احمد علی صاحب داکر سائل کا علی روارہ

در مطبع دہلی اردو اخبار با شتام بندہ خاکسار
امداد حسین غنی بدخشاہ در ۱۵۱۵ء طبع پو شید



کتاب خانہ طب | Facebook

و خدا صبر و خرد و ذات مآرا را عیال را اینها را علاج و معنی او و کثرت خاکهای مبارک که صاف
سخت و دانه کور باطلان گردد و تعلیل ترلین ساحتش چنانکه باطلان است هم صفتی است مقصود
و لاک صبر یا سعادت و افتخار آدمیان و سر خط علمی آن فتح آفاق مآرا را دای عالمیان است
صاحتش صفا در صبر از در اعتقاد ادا و حقه و طمطمه حسن طاعت حدیث یوسف و صبر
و احوست ساخته حضرت عیسی اگر محنت دم مردی بعین حال محنت عاقبتی و اگر صبر سلیمان
نقش مهر بهر موتش سرگین دل کدی آواره مام حاشش در اطراف عالم است عاقبتی گوی شمس
قر اگر دیدن طلعت مهر گردان گردیدی فروم صا و نور صا صود مدیدی در نور و شمس
دوام در سبکیت مستور حاضر نشان شد دروری کثرت اقدام می نمود فال بهر دوری و غیر
ار او را قی طلاق کی کشود مقدسی که برگاه قدم مبارک در عالم خاک مباد الواب رحمت برود
ساکین کون و مکان کساد آفتابی که چون بر تو لایم الورد و سایه گستر بر مفارق اس
جهان گردید تا رگمی خوش است رت رکاب که تید انعی لالتش سعد لید ماه سدره المہدی
و آلی قصه قوس بر در دقایق سین او ایلی پیش حرام شعیال محشر نعت افتخار و ماسر
عوض اصلی پس موجودات ملت غائبی و ریش کائنات منبع رلال صدق و صفا حضرت
الواقف اسم محمد مصطفی صلوات الله علیه و آله و صحابه الی یوم التداد و بعد از حدیث شریفی
از رحمت صلوات الله علیه مترشح بر معلق که تواند بود حوال اظهار اصحاب حاکم حاکمیتان محفل
شیرینت و صد گریان سید طریقت و کاه در مایان کسوفین دین و اودیان طریق دقیق تشر
گنج و ال چرا سیکاره رحمت الهی شریسته داران کار خا صیف ناقصی سالان کسوف تسلیم
در ضا تاحد ارال کلیم صدق و صفا میتوایان لغوس معقول را بهمانا صباغ دینیم شرف
حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم جمیع الی یوم الدین آما بعد سر حاکم کربت اصحابه
کامل و محقق و اصل او علی درجات جهان و علمای مکرمت در دارال و حکما
دانش مقیاس و اطباء جمیع شمس ساس محمد و محقق سماء که این صفت و ضعف و امانه

[illegible]

[illegible]

۲۱		۲۲		۲۳		۲۴	
۶	۲۱	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸
۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷
۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵

[illegible]

باب الالف الحظي

تاریخ و کتب

سے کم حلال حاصل

میں نے اس کو دیکھا ہے کہ وہ اپنے

[illegible]

ساخته اند که نود و نمر در هر چهاری آلی اقصای حصول رطوبت که در اندام حیوانات
 و حصول رطوبت و در وی سهیل را تا نیر ریاده خواهد بود و سهیل را طایف آسانی میسر
 گردد و اتصال هر کوکی دلیل هر یک دو داخله نسوی آن کوکت باشد پس اگر آن کوکت
 تحت الارض باشد و امتزاج حاصل بدست شود و سهیل کد و اگر کوکت در وسط السماء
 در وی قصد اعلی کد و لغی بر آید اما حکم در تناول و ردی می بر عکس بود و همچنین اتصال هر
 کوکت سهیلی در ساد سهیل محمود باشد و کوکت علوی غیر محمود و بطریق گفته من العصور
 ماحده و اعتراف بر دالک العصور حطر و حکم علی اس قول را در شهر قانول ذکر کرده
 لیکن دلیل جایگاه مایه صادره است اما ای که گفت معتبره معلوم می شود این است که هر عصوی
 - سرخی مسوب است حاتم سرخمل و گردن - و نورد و دست کورا و قصد سلطان بر
 فاس با پای که مسوب است کحت و حوت و حوت قمر در سرخ عصوی نود رطوبات بدنی متوجه آن
 باشد و آن اقصای بعض مواد که پس حراحت رساید حاصل رطوبات افروزی و
 استعداد نقص شود انصر باشد و نیز گفته اند که چون قمر در سرخ متحد باشد قصد کشاید
 که تحت کمر است روا شده و در سطو گفته و قی که محس خصوصاً هر پنج در مولد طبیب ما بهتم
 اکثر مرعی در دست او پانک مسود و گفته اند که بهتم وقت درین طبیب مرعیس اگر محس
 باشد در دست آن طبیب مرعیس هرگز بهتر خواهد شد لظیفوس گفته و قی که سابع و ح
 آن محس تعلیل باشد پس باید طبیب را که صلاح مرعیس سکه موقوف باشد و لطلب دیگر
 رجوع باشد و باید دانست که اس حکم خاص است لطالع وقت سوال احوال بیمار ظاهر
 آنوقت در حاشی دلیل مایه باشد و سابع و حاشی دلیل طبیب او و چون محس باشد
 دلیل عدم انتفاع باشد لصلاح آن طبیب پس بدیل طبیب مصلحت باشد و سر گفته اند که برگاه
 قمر در قوس باشد سهیل مایه در که باعث عدم انتفاع و دلت علی است و بعضی گفته اند که
 در اندامی علاج حیدر مویز در شب می آید که طالع و حاشی طالع مسود باشد مقصود حاصل

[illegible][illegible]

[illegible]

سید الشهدا علی مرتضیٰ صدام و سعید و دیگر امراض دماغی و معدی صن مفید کائے
 طبله آرد رنگ ساقی سیاه دی و رغن گاو و سمورل ادویه سبب در دل کوه و بجه رغن
 حرب بوده است و تریار کاسه و بعضی در استعمال اطریلیاب سی و دوا مضر میزند و دوا م
 طریل مع اسب اطریل کسیر بجه تعویض دماغ و معد و قوت داد و کوا بخر حرا
 لکمه معمول شده صن آن طبله ساه لوسب طبله بید که طی آله مقشر لعل دار لعل کبر
 حدر دم و نیم رخن و کاسه و دریاں شش بیدی سف تل مقصر قود کجی سح قود در
 و در دل العصاره و رغن الطفل کج مقصر حشا ش سحر مرکب دوید دم بهمین حدر دم
 کوه حدر رغن ادوم یا کوا حرب موده ماز کخن حرا سست دوا م غسل سعید ته او
 لقوام آرد در ترب ادوم م تاجا ردرم ایا رچ کسیر حره و قمل اعتقا خیر کن دوا
 الی است و است ماله کس قوب علی او عبوده اند و بعضی گفته اند که کسب کوا حواش و کوا
 کد که حواش در آن پاده است آن را دوا الی گوید و در بعضی کتب سعید نام حمد الی سبل
 مصلح است حبه آنکه درین ترکیب ادویه سبب ماضی است و بعضی در آن ترب است موده ام
 لکرها اس اول سبیل است که حکما می تقدیم تر قند داده اند ایا رچ قیصر امنا
 المار الساع و سح گوید و قی که دوا چل کرده موده سح حقل لعم می کند اگر تب مده ح و دوا موده
 در احلاط علیط ناک گردان و دستاد علیة الاتعا و اگر ما طریل کوا ح یک سیری یا کفکس
 موده استمال میزند صن آن سبل دار صبی خود لسان ح لسان سلوه مسئله اسار و در
 ابریک حروی صر سقوی دو و در ادویه سبب دو و درم لعل و آب گرم و بعضی صر م در ل
 ادویه سبب ایا رچ لو غا ذیا نام حکیم است صدام و در سعید و دوا و صمغ ح
 بار دوا دی را مانع بود صن آن سح حقل حدر دم ساعر لعل مشوی مار لقول سقویا حرو لیا
 اشق مقصر دیون ابریک چهار درم نیم اشق مقول کما دیون لعل صر ابریک سه درم حاسا
 مودار لقول میون سادوم سدی ورا سیون حه سبله لعل سعید مر حوا سیر حدر مده سبل

[illegible][illegible]

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين

وہی ہے جس نے ہمیں پیدا کیا اور جس نے ہمیں مرنا سکھایا ہے۔

مجلس شورای اسلامی

الحاج محمد بن عبد الله

مصلح آل عود

لے آئے اور اس وقت

ویرل وسم

۱۵۰

مسئله نظر اسباب دل زرد و طول عصاره فوسفور فوکل حمامار کحل آب بر یک دو درم خطمانا
استطوخودوس بر یک گرم دهم کوه و حبه کحل السید سترتی چهار درم آب گرم کحل و در آب
سمن اسفصال باید ایارج بود فوسفور الطیس دان اسفصل اطرب دو درم اگر اراکحه فاسف
ماسد رایل مسکرا د و طوط معده را در دنیا بیدار اجراء آن خطمانا مسهل الطیب را در دین جرج
و اجنبی سلیقه ابریک یک گرم فطر السلول چهار دیوسن استوخودوس فلفل مسهل ابریک یک گرم
و نیم صبر زده درم دهم تخم حنظل یک گرم کوه و حبه مائه حنظل کبی کوه تار باید و سمن
کرده سود لند سفد فاسف اسفصال ماما حار با مطوح مناسب فصل سیوم ارماد اولی
در درکات مائه و تانیسه یا لیتویه یا استمال یا سوره رعل سدت حمی مسهل الخواص را در و سبت
حرا اگر حمی آب گرمی حمی صفر اید و اگر ضرورت مل جوف حدود سرخام و جیره دخی مانند را ب
نیکم مل السرد ماسد و در وقت استعمال با سیویه دای ماض کرب آب دوه عرض داره تا ماکا
بر ارج رسد و مل با سیویه آب گرم است و برای تسرید و تقویت فاعله و ارحا حله دگر دوا اصله
مسیاید و لغد با سیویه ماما را حسل کرده در دوا کوبیده دارد و صوصا در بوجا سرد و کار عسل
حات است و در مگره که سبب خلیس جبهه صوصا دگر دوا ماسد و مل مساید ما بهار را آب گرم اید
تا اگر صوصا ماسد و مل دفعه نموده اسد انظر قدم مادر که کحلان مسد و مگر گاه که کحل
با سیویه تخم افه اول محرقه سطر کا در دعه با سیویه ماید اما که کلس تخم اسفصل
مسد اید با سیویه کحل سوبه و مار صوصا ماسد و با سیویه لست لغتم ماسد و مل
عرق و کسید حراره نظار بحی ایام لفع مسرسانه یا لیتویه یا ماض برای مضا سید و
فراستط و صبر و اسال آن صس آن برگ مدم ما و اگر برگ حید ماسد برگ کسار کحل
مسفصل کحل فوسفور یک گرم کحل حمی حسل الطیب یک گرم دهم آرد و جها و دهم آرد ماید بیای نموده
با سیویه ماید و در شای با سیویه ما بهار از اعلی با مسهل الیه بکشد و اگر حات تسرید داده ماسد
برگ سرد و برگ اسفصال و کحل سدر و برگ کوهی که در اسفصل و اصافه ماسد

[illegible]

مجلس شورای ملی

عاج
مردود
بیر
وشر
۱۱
کوک
کیم
جلی
س
ن

[illegible]

الحاجات المتزايدة

عالمی ادارہ اگرونیٹ

تاریخ

[illegible][illegible]

[illegible]

[illegible][illegible]

[illegible][illegible]

[illegible]

Hesperis matronalis

[illegible]

مستقل کیڈو

فقد البودون گفته شود و نسخ

[illegible]

[illegible]

۱۰۰

و دودلی و دودلسکیر گوید در آن صورت
آن سعیده تنهائی او دو آن فرستاده
چهارم و از سیاه لودان است
است که کفن بنابر کار داد و دیوان
آن حال بود

۳

子

علی صلوات
 درهای گرم خانه که سالکی اگر بارو
 شود صد آذین در هم کشاید و اگر
 آینه در صحنه زلفت نه و حفا را
 قصه را در حق تمام لایق آلوده
 هم آواز آفتاب و در دل آن پشته
 که در سینه خود می گسترده و عشاق
 در دل و تنگ آید و در دم معشوقی است
 در وقت که است ایست چرخ گوید اگر
 در دگر می دهم که مستور شود

۳ در دستجات آن در داخل یک طبقه بود است

PA

۳۸
صفت الحاد
سفره خود

سیدم دیجا گوید کہ در کتب
عسقیہ لغت خاتم و

بر روی آن سرکه و در
بر روی آن سرکه و در

ان سب کو روک دیا اور وہ ہم کو روک کر اپنے
میں سے روک دیا اور وہ ہم کو روک کر اپنے

ویدادشمار
محمد

[illegible]

استان حره
ولر احوال اوله ستره کوا ریش
دوقه و محبت و کج و بد طبعه
ال سحر و طبعیت آن گرم بود و دم
ما جود که گرم شکست و در دم جود بود
سعد مست که معج بود و مست و
مست که آنست که معج بود و مست و
گشت میاید که کج و بد و مست و
۴۱
یکدم از حص و کج و بد و مست و
مست که تو و بد و کج و بد و مست و
میدارد و دم و کج و بد و مست و
اشتهای و معشای غلبت و کج و بد و مست و
و کج و بد و معشای غلبت و کج و بد و مست و
دی و کج و بد و معشای غلبت و کج و بد و مست و
ایشانست و کج و بد و معشای غلبت و کج و بد و مست و
لک و کج و بد و معشای غلبت و کج و بد و مست و

کفر از تنه ای باشد که قوت اجابت
 حاصل شود و در دو سبب حاصل گردد
 اول در دو سبب که در حقیقت
 اصل الایمان از آنست که
 کفر از تنه ای باشد که قوت اجابت
 حاصل شود و در دو سبب حاصل گردد
 اول در دو سبب که در حقیقت
 اصل الایمان از آنست که

کفر از تنه ای باشد که قوت اجابت
 حاصل شود و در دو سبب حاصل گردد
 اول در دو سبب که در حقیقت
 اصل الایمان از آنست که
 کفر از تنه ای باشد که قوت اجابت
 حاصل شود و در دو سبب حاصل گردد
 اول در دو سبب که در حقیقت
 اصل الایمان از آنست که
 کفر از تنه ای باشد که قوت اجابت
 حاصل شود و در دو سبب حاصل گردد
 اول در دو سبب که در حقیقت
 اصل الایمان از آنست که

کفر از تنه ای باشد که قوت اجابت
 حاصل شود و در دو سبب حاصل گردد
 اول در دو سبب که در حقیقت
 اصل الایمان از آنست که
 کفر از تنه ای باشد که قوت اجابت
 حاصل شود و در دو سبب حاصل گردد
 اول در دو سبب که در حقیقت
 اصل الایمان از آنست که
 کفر از تنه ای باشد که قوت اجابت
 حاصل شود و در دو سبب حاصل گردد
 اول در دو سبب که در حقیقت
 اصل الایمان از آنست که

کفر از تنه ای باشد که قوت اجابت
 حاصل شود و در دو سبب حاصل گردد
 اول در دو سبب که در حقیقت
 اصل الایمان از آنست که
 کفر از تنه ای باشد که قوت اجابت
 حاصل شود و در دو سبب حاصل گردد
 اول در دو سبب که در حقیقت
 اصل الایمان از آنست که

[illegible]

۱- در این کتاب که در دست خط است
 ۲- در این کتاب که در دست خط است
 ۳- در این کتاب که در دست خط است
 ۴- در این کتاب که در دست خط است
 ۵- در این کتاب که در دست خط است
 ۶- در این کتاب که در دست خط است
 ۷- در این کتاب که در دست خط است
 ۸- در این کتاب که در دست خط است
 ۹- در این کتاب که در دست خط است
 ۱۰- در این کتاب که در دست خط است